

رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی

دکتر پروانه محمدخانی^۱، هدیه آزادmehr^۲، شکوفه متقی^۳

Association between the Types of Violence in Couple Relationship and Marital Attitudes in Sexual Coerced Victims

Parvaneh Mohammadkhani^{*}, Hedieh Azadmehr^a, Shokoofeh Motaghi^b

Abstract

Objectives: Evaluating the association of other types of violence with sexual violence in Iranian couples, as well as assessing the relation of sexual violence and marital attitudes of abused women. **Method:** 200 couples were selected via a multi-cluster sampling method and completed the Marital Attitude Survey and Conflict Tactic Scale Revised. **Results:** The experience of physical or psychological violence increased the likelihood of sexual coercion especially in women ($p < 0.001$). Female victims of sexual coercion cited lower attribution of problems to one's own behavior, lower expectations of improvement and perceived ability to change ($p < 0.05$). **Conclusion:** The probability of experiencing sexual coercion escalates in cases of confronting other kinds of violence, especially in women. Incomplete marital attitudes play a significant role in the development and maintenance of sexual violence.

Key words: sexual violence; marital violence; marital attitude

[Received: 12 April 2009 ; Accepted: 14 December 2009]

چکیده

هدف: بررسی میزان همراهی دیگر انواع خشونت با خشونت جنسی در زوج‌های ایرانی و هم‌چنین بررسی رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی زنان قربانی خشونت جنسی، هدف پژوهش حاضر بود. **روش:** ۲۳۰ زوج با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در قالب یک طرح زمینه‌یابی، به پرسش‌نامه زمینه‌یابی نگرش زناشویی و مقیاس تجدیدنظرشده تاکتیک‌های تعارضی پاسخ دادند. **یافته‌ها:** تجربه حمله جسمانی و پرخاشگری روان‌شناختی با احتمال افزایش تحمیل جنسی به‌ویژه در زنان همراه بود ($p < 0.001$). در زنان قربانی تحمیل جنسی، اسناد علیت به رفتار خود، انتظار بهبود رابطه و توانایی ادراک‌شده برای تغییر رابطه کمتر از زنان غیرقربانی بود ($p < 0.05$). **نتیجه‌گیری:** احتمال تجربه تحمیل جنسی، در صورت رویارویی با دیگر انواع خشونت، به‌ویژه در زنان افزایش می‌یابد. نگرش‌های زناشویی نارسا نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری و تداوم خشونت زناشویی ایفا می‌کند.

کلیدواژه: خشونت جنسی؛ خشونت زناشویی؛ نگرش زناشویی

[دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱/۲۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۲۳]

^۱ دکترای روانشناسی، دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، اوین، بلوار دانشجو، خیابان کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، بخش روانشناسی بالینی، دورنگار: ۰۲۱-۲۲۱۸۰۰۴۵ (نویسنده مسئول). E-mail: p.mohammadkhani@uswr.ac.ir؛ آکارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه هایدلبرگ آلمان؛ آکارشناس ارشد روانشناسی، سازمان بهزیستی شهرکرد.

* Corresponding author: Associate Professor of University of Welfare and Rehabilitation Sciences, Department of Clinical Psychology, Evin, Tehran, Iran. Fax: +9821-22180045, E-mail: P.mohammadkhani@uswr.ac.ir; ^a MA in Psychology, Heidelberg, University of Heidelberg, Germany; ^b MA in Clinical Psychology, Welfare Organization, Share Kurd.

مقدمه

مهارت‌های ضعیف حل کشمکش است که مانع شکل‌گیری توافق همکارانه می‌شود یا وقوع بدرفتاری (آسیا^{۱۱}، اولسون^{۲۲} و دیوید^{۳۳}، ۲۰۰۴) و آیا پارامترها و مؤلفه‌های اساسی تری مانند اسنادها، نگرش‌ها و ادراک‌ها دست‌اندرکار هستند یا خیر (باکوم^{۲۴} و ایشتان^{۲۵}، ۱۹۹۰).

پژوهش والاچ^{۲۶} و سلا^{۲۷} (۲۰۰۸) با هدف فهم و پیش‌گیری از خشونت زناشویی نشان داد نحوه اسناد مردانی که همسرانشان را کتک می‌زنند، نقش اساسی در افزایش خشونت و خصومت و استرس دارد. بر این اساس برنامه‌های درمانی بایستی به سبک اسناد پیردازند. داس^{۲۸}، جونز^{۲۹} و کریستنسن^{۳۰} (۲۰۰۲) خطوط درمان شناختی-رفتاری برای زوج درگیر در خشونت را ترسیم کرده‌اند. در پژوهشی (داوتون^{۳۱}، بورگارت^{۳۲}، پرین^{۳۳}، کریسمن^{۳۴} و هال^{۳۵}، ۲۰۰۵) طحوااره‌های شناختی زنان کتک‌خورده (برای مثال معنایی که برای خشونت قابل بودند، واکنش‌های پس‌آسیبی و سابقه قربانی خشونت جنسی‌بودن) بررسی شد. یافته‌ها نشان داد معنای خشونت (برای مثال سبک انتظارات در خشونت اخیر، شدت/کشندگی خشونت و اسناد علیت)، واریانس طحوااره‌های شناختی درباره امنیت، خود و دیگران را تبیین می‌کند. بر اساس سابقه قربانی خشونت جنسی‌بودن، تفاوتی در طحوااره‌های شناختی دیده نشد.

نگرش‌های مردسالار (دیکسردی^{۳۶} و کلی^{۳۷}، ۱۹۹۳)، تأیید اجتماعی خشونت (محمدخانی و همکاران، ۲۰۰۹) و نیاز به کنترل (استس^{۳۸}، ۱۹۹۱) از عوامل نگرشی وقوع خشونت زناشویی گزارش شده‌اند. هوتالینگ^{۳۹} و سوگرمن^{۴۰} (۱۹۸۶) عوامل نگرشی را در سازگاری با خشونت و ماندن در

خشونت^۱ بر تمامی جنبه‌های گفتاری، رفتاری و حرکتی فردی که مورد خشونت قرار می‌گیرد، تأثیر می‌گذارد (کمپیل^۲، ۱۹۹۵) و جدا از عواملی مانند سن، نژاد، قومیت و ملیت رخ می‌دهد. خشونت صمیمانه^۳ می‌تواند به صورت آزار جنسی، جسمی و روان‌شناختی باشد (کروگ^۴، دالبرگ^۵، مرسی^۶، زوی^۷، و لازارو^۸، ۲۰۰۲). خشونت زناشویی^۹ یکی از اصلی‌ترین انواع خشونت صمیمانه است که با وجود پیامدهایی مانند معلولیت‌های شدید و حتی مرگ، چندان مورد توجه قرار نگرفته (زند^{۱۰}، ۲۰۰۸) و پیچیدگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی آن کاملاً شناخته نشده است (استراس^{۱۱} و مرادیان^{۱۲}، ۱۹۹۹؛ محمدخانی، رضایی دوگانه، فروزان، آزاد مهر و جعفری، ۲۰۰۷).

خشونت صمیمانه در ابتدا فقط به مردان نسبت داده می‌شد، زیرا داده‌ها معمولاً از گزارش‌های پلیس که به خشونت‌های شدید مربوط است، استخراج می‌شد. بررسی‌های جدیدتر نشان داده‌اند زنان نیز مرتکب خشونت می‌شوند (استراس و رامرز^{۱۳}، ۲۰۰۷) و گزارش‌ها نشان‌گر وقوع هم‌زمان انواع خشونت زناشویی است (گارسالیانارز^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۵). مارگولین^{۱۵} و برمن^{۱۶} (۱۹۹۳) بر این باورند که مشکلات ارتباطی در بحث و جدل‌ها بیشتر دوسویه و خصومت‌آمیز است؛ چنان‌چه یکی از زوجین با عصبانیت صحبت کند، دیگری هم به همین صورت واکنش نشان می‌دهد. آنها تحقیر و توهین زیادی نسبت به هم روا می‌دارند و این وضعیت مدت زمان قابل توجهی به درازا می‌کشد. خشونت زناشویی دوسویه در ایران نیز گزارش شده است (محمدخانی، رضایی دوگانه، محمدی و آزاد مهر، ۱۳۸۵).

اگرچه شاید خشونت جنسی شایع‌ترین نوع خشونت محسوب شود (لیزمن^{۱۷}، ۲۰۰۵)، بیش از نیمی از قربانیان خشونت زناشویی، بیش از یک نوع آن را گزارش می‌کنند (تامسون^{۱۸} و همکاران، ۲۰۰۶).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند باورها و نگرش‌های ناکارآمد به پالایش، پردازش و ارزیابی اشتباه امور زناشویی می‌انجامد و معمولاً ناپایداری و نارضایتی زناشویی را افزایش می‌دهد (لارسن^{۱۹} و هالمن^{۲۰}، ۱۹۹۴). احتمالاً زمانی که زن و شوهر به مدت طولانی در شرایط بدرفتاری قرار می‌گیرند، دیدگاه‌های تحریف‌شده‌ای درباره نوع و نحوه ارتباط در آنها شکل می‌گیرد. هنوز روشن نیست که آیا وجود مشکل و

1- violence	2- Campbell
3- intimate violence	4- Krug
5- Dahlberg	6- Mercy
7- Zwi	8- Lozaro
9- marital violence	10- Zand
11- Straus	12- Mouradian
13- Ramirez	14- Garcia-Linares
15- Margolin	16- Burman
17- Leserman	18- Thompson
19- Larson	20- Holman
21- Asia	22- Olson
23- David	24- Baucom
25- Epestein	26- Wallach
27- Sela	28- Doss
29- Jones	30- Christensen
31- Dutton	32- Burghardt
33- Perrin	34- Chrestman
35- Halle	36- Dekeseredy
37- Kelly	38- Stets
39- Hotaling	40- Sugarman

داده‌اند این مشکلات با سوگیری‌های شناختی و نگرش‌های ناکارآمدی همراه است که می‌تواند بی‌ارتباط به مسایل زناشویی باشد. گفتنی است همکاران پژوهش که از دانشجویان رشته مددکاری و آموزش پیش‌دبستانی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بودند، پس از آموزش لازم در روزهای تعیین شده در مراکز حضور می‌یافتند و پس از توضیح اهداف پژوهش و اطمینان‌دهی به زوج‌ها در خصوص محرمانه‌ماندن اطلاعات شخصی، اقدام به پرکردن پرسش‌نامه‌ها می‌کردند. آزمودنی‌ها مجاز بودند حتی پس از اعلام رضایت کتبی برای شرکت در پژوهش، هر زمان که مایل بودند، همکاری با پژوهش را قطع کنند.

برای گردآوری داده‌ها، پس از اخذ مشخصات جمعیت‌شناختی شامل سن، تحصیلات، محل زندگی، مالکیت شخصی، محل اقامت، درآمد ماهانه خانواده و سابقه سوء مصرف مواد و ابتلا به بیماری روانی، از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شد:

۱- مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های تعارضی^۱ (CTS-2)

(استراس، هامبی^۲، بونی-مک‌کوی^۳ و سوگرم، ۱۹۹۶) که پرکاربردترین ابزار گردآوری داده‌های مربوط به خشونت خانوادگی و خشونت همسر^۴ است، شیوع و ازمان خشونت را هم‌زمان به صورت دوسویه در ابعاد حمله جسمانی^۵ (۱۲ گویه، برای مثال «او به صورتم سیلی زد»، پرخاشگری روان‌شناختی^۶ (هشت گویه، برای مثال «او به من اهانت کرد»، تحمیل جنسی^۷ (هفت گویه، برای مثال «او با استفاده از زور مانند کتک‌زدن، حبس کردن و استفاده از اسلحه مرا واداشت با او رابطه جنسی برقرار کنم») و آسیب^۸ (هشت گویه، برای مثال «طی یک مشاجره چنان بر سرم ضربه زد که بیهوش شدم») ارزیابی می‌کند. خرده‌مقیاس مذاکره^۹ (شش گویه) روابط غیرخشن زوج را ارزیابی می‌کند که با توجه به هدف این پژوهش، در این بررسی استفاده نشد. زمان پاسخ‌گویی به این پرسش‌نامه بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه است. در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی CTS-2، همبستگی میان این مقیاس و سه مقیاس آزار جسمی و آسیب (استراس^{۱۰}، ۲۰۰۴)، سوء استفاده و خشونت جسمی (همان‌جا) و سلطه‌گری در

کنار فرد مهاجم نیز دخیل می‌دانند (مانند این که گاهی زنان آزار دیده عامل وقوع خشونت را به خود نسبت می‌دهند و بیان می‌کنند با تغییر رفتارهای خود، می‌توانستند از خشونت جلوگیری کنند). به‌ویژه زنانی که مورد تهاجم قرار می‌گیرند، خود را مقصر می‌دانند. از سوی دیگر مردان با مسئول قلمداد کردن فرد قربانی، در شکل‌گیری احساس خودتقصیری زنان کتک‌خورده نقش دارند.

چنانچه از نوشته‌های پژوهشی برمی‌آید، بررسی‌ها بیشتر بر حمله جسمانی و در برخی موارد بر خشونت روان‌شناختی متمرکز بوده، داده‌ها در مورد میزان همراهی انواع خشونت، به‌ویژه خشونت جنسی، نگرش زناشویی زنان قربانی خشونت جنسی و نحوه اسناددهی آنان اندک است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان همراهی خشونت جسمانی و روان‌شناختی با خشونت جنسی در زوج‌های ایرانی و هم‌چنین بررسی رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی زنان قربانی خشونت جنسی انجام شد.

روش

داده‌ها از یک طرح زمینه‌یابی خشونت خانوادگی که در سال ۱۳۸۶ در تهران انجام شده بود، استخراج شد. آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از جمعیت متأهل شهر تهران انتخاب شدند؛ پس از انتخاب تصادفی مناطق ۲، ۵، ۱۲ و ۱۸ به‌عنوان خوشه‌های اصلی، با استفاده از فهرست مراکز تفریحی، سینماها، پارک‌ها و فرهنگ‌سراهای این مناطق، ۲۰ مرکز به صورت تصادفی به‌عنوان خوشه دوم انتخاب شد. از این مراکز به تدریج و در روزهای حضور همکاران پژوهش در محل، ۲۳۰ زوج با پژوهش همکاری کردند. مبنای تعیین حجم نمونه، گزارش مربوط به شیوع خشونت بود که در مرحله مقدماتی همین پژوهش حدود ۵۰٪ برآورد شد. بنابراین با انتظار شیوع حداکثر ۵۰٪ گزارش انواع خشونت، به منظور بررسی ۱۲۰ زوج درگیر خشونت زناشویی، ۲۳۰ زوج به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: داشتن حداقل هشت کلاس سواد برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه، به‌سربردن در زندگی مشترک حداقل به مدت پنج سال (زیرا یکی از گزینه‌های درجه‌بندی خشونت، به مدت ازدواج وابسته بود) و اقامت در تهران. ملاک خروج عبارت بود از مشخص شدن سابقه بیماری روانی یا سوء مصرف مواد [زیرا باکوم و اپشتاین (۱۹۹۰) نشان

- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| 1- Conflict Tactics Scale | 2- Hamby |
| 3- Boney-McCoy | 4- spouse violence |
| 5- physical assault | 6- psychological aggression |
| 7- sexual coercion | 8- injury |
| 9- negotiation | 10- Straus |

معنادار است که نشان‌دهنده روایی محتوایی مناسب MAS است (باکوم و اپشتاین، ۱۹۹۰). ضریب پایایی نسخه فارسی MAS ۰/۷۸ گزارش شده است (شیری و محمدخانی، ۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک SPSS-13 و به روش تحلیل فراوانی، تحلیل‌های تک متغیره و آزمون t مستقل انجام شد. نسبت شانس^۱ و 95% CI برای محرز دانستن تحمیل جنسی تعیین شد.

یافته‌ها

مشخصات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها در جدول ۱ آمده است. افزون بر اطلاعات جدول، ۳۹ زوج (۱۷٪) مهاجر سایر استان‌ها به تهران، ۱۷۵ زوج (۷۵٪) دارای فرزند و ۱۲۱ زوج (۵۶٪) دارای منزل شخصی بودند. متوسط درآمد خانواده‌ها حدود ۳۰۰ هزار تومان در ماه گزارش شد.

میانگین ضرایب پایایی خرده‌مقیاس‌های توانایی ادراک شده زوج برای تغییر رابطه، انتظار بهبود رابطه، اسناد علیت به رفتار خود، اسناد علیت به شخصیت خود، اسناد علیت به رفتار همسر، اسناد علیت به شخصیت همسر، اسناد نبود عشق به همسر و اسناد سوءنیت به همسر به ترتیب عبارت بود از ۰/۷۴، ۰/۹۰، ۰/۷۹، ۰/۷۱، ۰/۶۶، ۰/۹۰، ۰/۹۰ و ۰/۸۸.

با تحلیل نمرات CTS-2، رابطه انواع خشونت شناسایی شد؛ از ۶۶ مرد با سابقه حمله جسمانی، ۶۰ نفر (۹۰/۹٪) و از ۱۶۴ مرد بدون سابقه حمله جسمانی، ۶۸ نفر (۴۱/۲٪) تحمیل جنسی را گزارش کردند ($p < 0/001$ ، $df=1$ ، $c^2=53/64$). از ۶۵ زن با سابقه حمله جسمانی، ۶۲ نفر (۹۵/۴٪) و از ۱۶۵ زن بدون سابقه حمله جسمانی ۶۸ نفر (۴۱/۲٪) تحمیل جنسی را گزارش کردند ($p < 0/001$ ، $df=1$ ، $c^2=61/73$). از ۶۲ مرد با سابقه خشونت روان‌شناختی، ۵۷ نفر (۹۱/۹٪) و از ۱۶۸ مرد بدون سابقه خشونت روان‌شناختی، ۵۸ نفر (۳۴/۵٪) قربانی تحمیل جنسی نیز شده بودند ($p < 0/001$ ، $df=1$ ، $c^2=54/18$). از ۶۰ زن با سابقه خشونت روان‌شناختی، ۵۸ نفر (۹۶/۷٪) و از ۱۷۰ زن بدون سابقه خشونت روان‌شناختی، ۷۲ نفر (۴۲/۴٪) تحمیل جنسی را گزارش کردند ($p < 0/001$ ، $df=1$ ، $c^2=36/58$).

روابط عشقی^۱ (همان‌جا) به‌عنوان شاهدهی بر روایی سازه و پیش‌بین گزارش شده است (استراس، ۲۰۰۴). ضریب آلفای کرونباخ پنج خرده‌مقیاس پرخاشگری روان‌شناختی، مذاکره، حمله جسمانی، تحمیل جنسی و آسیب به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۹۵ گزارش شده است (استراس و همکاران، ۱۹۹۶). حدود ۴۰۰ مقاله براساس داده‌های به‌دست‌آمده از این مقیاس تدوین شده است که در این مقالات، روایی، پایایی و ساختار عاملی خوبی برای CTS-2 گزارش شده است (استراس، ۲۰۰۴؛ استراس و داگلاس^۲، ۲۰۰۴). در ایران ضریب آلفای کرونباخ CTS-2 از ۰/۷۹ برای خرده‌مقیاس پرخاشگری روان‌شناختی تا ۰/۹۱ برای خرده‌مقیاس مذاکره گزارش شده است (محمدخانی، محمدی، رضایی دوگانه و آزاد مهر، ۱۳۸۶).

۲- زمینه‌یابی نگرش زناشویی^۳ (MAS) (باکوم و اپشتاین، ۱۹۹۰) برای سنجش محتوای اختصاصی اسنادها در مشکلات زناشویی طراحی شده و دارای خرده‌مقیاس‌های اسناد علیت به رفتار خود^۴ (برای مثال، «هر مشکلی که داریم به دلیل حرف‌ها و کارهای من است»)، اسناد علیت به شخصیت خود (برای مثال، «برای بهبود روابطمان، باید شخصیت من تغییر کند»)، اسناد علیت به رفتار همسر (برای مثال، «هر مشکلی که داریم به دلیل گفتار و رفتار همسر است»)، اسناد علیت به شخصیت همسر (برای مثال، «برای این که ما با هم بهتر کنار بیاییم، باید شخصیت همسر من تغییر کند»)، اسناد سوءنیت به همسر^۵ (برای مثال، «به نظر می‌رسد همسر من عمداً سربه‌سر من می‌گذارد») و اسناد نبود عشق به همسر (برای مثال، «وقتی همسر من مهربان نیست، فکر می‌کنم به من علاقه ندارد») است. افزون بر این، MAS بر مبنای نظریه خودکارآمدی بندورا^۶ (۱۹۷۰)، به‌نقل از باکوم و اپشتاین، (۱۹۹۰)، دربرگیرنده دو خرده‌مقیاس توانایی ادراک شده زوج برای تغییر رابطه^۷ (برای مثال، «می‌توانم کاری کنم که روابطمان بهتر شود») و انتظار بهبود رابطه^۸ (برای مثال، «فکر می‌کنم روابطمان در آینده بهتر می‌شود») است. MAS ۷۴ گویه دارد که بر مبنای یک مقیاس پنج‌درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف پاسخ داده می‌شود. خرده‌مقیاس‌ها دارای ضرایب آلفای ۰/۵۸ تا ۰/۹۳ هستند که کمترین ضریب مربوط به مقیاس اسناد علیت به رفتار خود است. شواهد اعتباری برای MAS مثبت است؛ میزان سازگاری زوج به‌طور منفی با چهار خرده‌مقیاس اسناد علیت به رفتار و شخصیت همسر، اسناد سوءنیت به همسر و نبود عشق به همسر همبسته است. روی هم رفته ۴۰ تا ۴۴ درصد همبستگی‌های میان MAS و پدیده‌های زناشویی و شناختی

- 1- Dominance in Dating Relationship
- 2- Douglass
- 3- Marital Attitude Survey
- 4- attribution of causality
- 5- attribution of malicious
- 6- Bandura
- 7- perceived ability of couple to change relationship
- 8- expectancy of improvement in the relationship
- 9- Statistical Package for the Social Sciences version 13
- 10- odds ratio

جدول ۱- مشخصات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها

۴۱-۵۰		۳۳-۴۰		۲۵-۳۲		۱۷-۲۴				
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	طبقات سنی		
۴۰/۴	۹۳	۲۵/۷	۵۹	۲۹/۶	۶۸	۴/۳	۱۰	مردان		
۲۷/۸	۶۴	۲۰/۹	۴۸	۳۴/۴	۷۹	۱۷/۰	۳۹	زنان		
بالاتر از دیپلم				دیپلم		زیر دیپلم				
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	طبقات تحصیلی		
۵۵/۲	۱۲۷	۳۰/۹	۷۱	۱۳/۹	۳۲			مردان		
۵۰/۰	۱۱۵	۴۱/۷	۹۶	۸/۳	۱۹			زنان		
سایر موارد		آزاد		محصل		کارمند		خانه دار		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	طبقات شغلی
۱۱/۷	۲۷	۲۵/۷	۵۹	۳/۵	۸	۵۹/۱	۱۳۶	—	—	مردان
۹/۵	۲۲	۳/۹	۹	۲/۶	۶	۲۸/۳	۶۵	۵۵/۷	۱۲۸	زنان

($p < 0.05$). به این معنا که زنان قربانی، مشکلات را کمتر به رفتار خود اسناد داده، توانایی خود را برای تغییر رابطه، هم‌چنین انتظار بهبود رابطه را پایین‌تر از زنان غیرقربانی برآورد کردند.

یافته‌های به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل MAS، برای مقایسه نگرش زنان قربانی و غیرقربانی تحمیل جنسی استفاده شد (جدول ۲)؛ زنان قربانی و غیرقربانی تحمیل جنسی در خرده‌مقیاس‌های اسناد علیت به رفتار خود، انتظار بهبود رابطه و توانایی ادراک‌شده زوج برای تغییر رابطه تفاوت داشتند

جدول ۲- مقایسه نگرش زناشویی زنان قربانی و غیرقربانی تحمیل جنسی

مقیاس خرده‌مقیاس	میانگین	انحراف معیار	معنی‌داری دو دامنه
توانایی ادراک‌شده زوج برای تغییر رابطه	قربانی	۴۹/۱	۰/۰۲۸
	غیرقربانی	۵۱/۴	
انتظار بهبود رابطه	قربانی	۴۸/۹	۰/۰۳۸
	غیرقربانی	۵۱/۲	
اسناد علیت به رفتار خود	قربانی	۴۹/۳	۰/۰۴۹
	غیرقربانی	۵۱/۵	
اسناد علیت به شخصیت خود	قربانی	۵۰/۴	N.S.*
	غیرقربانی	۵۰/۹	
اسناد علیت به رفتار همسر	قربانی	۴۷/۱	N.S.
	غیرقربانی	۴۹/۷	
اسناد علیت به شخصیت همسر	قربانی	۴۸/۶	N.S.
	غیرقربانی	۴۹/۶	
اسناد سوءنیت به همسر	قربانی	۵۰/۲	N.S.
	غیرقربانی	۵۱/۴	
اسناد نبود عشق به همسر	قربانی	۴۹/۱	N.S.
	غیرقربانی	۴۹/۶	
	قربانی	۴۸/۹	
	غیرقربانی	۴۸/۹	

* non-significant

بحث

یافته‌های به‌دست آمده از خود گزارشی انواع خشونت در زنان و مردان نشانگر همراهی حمله جسمانی، پرخاشگری روان‌شناختی و تحمیل جنسی بود. همان‌گونه که پژوهش‌ها نشان داده‌اند، در خشونت زناشویی وقتی از یک نوع خشونت گزارش می‌شود، همواره باید مترصد انواع دیگر خشونت نیز بود (شورای ملی پژوهش، ۱۹۹۶). کروگ و همکاران (۲۰۰۲) بر این باورند که به لحاظ نظری نیز انواع خشونت روان‌شناختی، جنسی و جسمی با هم رخ می‌دهند. کاتز^۱، مور^۲ و می^۳ (۲۰۰۸) نشان دادند قربانیان خشونت جسمانی و جنسی در مقایسه با قربانیان خشونت جنسی، از خشونت کلامی و روان‌شناختی بیشتری رنج می‌برند. پژوهش دیگری نشان داد ارتکاب به خشونت روان‌شناختی شدید در مردان، پیش‌بینی‌کننده خشونت جنسی مردانه و در زنان پیش‌بینی‌کننده خشونت جنسی زنانه است (رامیزی-میلکر^۴، کائانو^۵ و مک‌گراس^۶، ۲۰۰۷). اگرچه یافته‌های پژوهش حاضر نشانگر آن بود که حمله جسمانی و پرخاشگری روان‌شناختی احتمال تجربه تحمیل جنسی را در مردان و زنان افزایش می‌دهد، اما این ارتباط در مورد زنان قوی‌تر از مردان بود، بدین معنی که زنان در صورت تجربه سایر انواع خشونت، بیشتر از مردان در معرض تحمیل جنسی هستند.

یافته‌های مربوط به نگرش زناشویی نشان داد اسناد مشکلات به رفتار خود در زنان قربانی تحمیل جنسی در مقایسه با غیرقربانیان کمتر بود، بدین معنی که آنان تحمیل جنسی را جدا از رفتار خود می‌دانستند. هم‌چنین آنان از توانایی خود برای تغییر رابطه، برآورد پایین‌تر و برای بهبود رابطه، انتظار کمتری داشتند.

مارگولین و برمن (۱۹۹۳) خشونت را نتیجه تعامل زوج در نظام زناشویی یا نتیجه رفتارهای شخصی همسر متجاوز قلمداد کرده‌اند. آنها بر این باورند که نگرش‌های نارسا نقش قابل توجهی در شکل‌گیری و تداوم خشونت زناشویی ایفا می‌کند و می‌تواند در قالب نقص مهارت‌های ارتباطی در بحث و جدل‌ها یا تعارض‌های زوج درگیر خشونت جلوه‌گر شود. هم‌زمان این همراهی برای وقوع رفتارنا سالم در رابطه زناشویی، خطر افزوده‌ای ایجاد می‌کند (جان^۷، ریچ-ادوارد^۸، بوینتن-جارت^۹ و رایت^{۱۰}، ۲۰۰۸). باکوم و اپشتاین (۱۹۹۰) یادآور می‌شوند انحراف ادراک و تفسیر اشتباه زوج از رفتار

دیگری می‌تواند به افزایش معنی‌دار آشفتگی منجر شود. این امر مستقل از استانداردهای واقعی رخ می‌دهد، زیرا دیدگاه‌های انحرافی فرد به‌عنوان واقعیت برای وی متجلی می‌شوند. انتظارات در روابط زوج به یک مفهوم شناختی مرکزی اشاره دارد که شامل تجارب افراد در خصوص پیامدهای احتمالی در موقعیت‌های گوناگون زندگی است. باکوم و اپشتاین (۱۹۹۰) بر این باورند که هر قدر توانایی ادراک‌شده زوج برای تغییر و بهبود رابطه بیشتر باشد، رضایت افزایش می‌یابد، بنابراین سوگیری ادراکی تأثیر قدرتمندی بر کیفیت روابط می‌گذارد. از سوی دیگر هرچه باور زوج به این که یک یا هر دو می‌توانند کاری کنند که مشکلات جاری حل شود و روابط بهبود یابد، بیشتر باشد، تلاش آنها برای بقای رابطه افزایش یافته، کیفیت رابطه و رضایت از آن بهبود می‌یابد. داس، تام^{۱۱}، سیویر^{۱۲}، اتکینز^{۱۳} و کریستینسن (۲۰۰۵) دریافتند که با افزایش انتظار بهبود رابطه، سطح افسردگی کاهش یافته، اسناد علی مشکلات ارتباطی به رفتار و شخصیت همسر و اسناد سوءنیت و فقدان عشق به او کم می‌شود. این یافته‌ها در تبیین این امر که وقوع تحمیل جنسی انتظار بهبود رابطه، هم‌چنین توانایی ادراک‌شده زوج برای تغییر رابطه را در قربانیان (در مقایسه با غیرقربانیان) کاهش می‌دهد، کمک می‌کند.

همان‌طور که ریلینی^{۱۴} (۲۰۰۷) و الزویر^{۱۵}، وروهوم-ون در زالم^{۱۶} و پیلگر^{۱۷} (۲۰۰۷) اشاره کرده‌اند، یافته‌های پژوهش حاضر را که با یک طرح مقطعی انجام شده است، باید با توجه به محدودیت‌های تفسیر کرد؛ گردآوری داده‌ها به‌وسیله خودگزارشی، نوع طرح که با آن نمی‌توان تقدم و تأخر پدیده‌ها و در نتیجه رابطه علی را مشخص کرد، احتمال نبود تمایل از سوی آزمودنی‌ها برای گزارش وضعیت موجود، با توجه به موضوع پژوهش و خودمحدودسازی و یا بیش‌برآورد آن‌چه روی می‌دهد، از آن جمله است. هم‌چنین بدون کنترل عواملی که ممکن است در شکل‌گیری نگرش زناشویی نقش داشته باشند، نمی‌توان آنها را فقط با توسل به خشونت جنسی تبیین کرد. بنابراین انجام پژوهش‌های

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| 1- Katz | 2- Moore |
| 3- May | 4- Ramisetty-Mikler |
| 5- Caetano | 6- McGrath |
| 7- Jun | 8- Rich-Edward |
| 9- Boynton-Jarrett | 10- Wright |
| 11- Thum | 12- Sevier |
| 13- Atkins | 14- Rellini |
| 15- Elzevier | 16- Voorham-van der zalm |
| 17- Pelger | |

Dutton, M. A., Burghardt, K. J., Perrin, S. G., Chrestman, K. R., & Halle, P. M. (2005). Battered women's cognitive schemata. *Journal of Traumatic Stress*, 7, 235-255.

Doss, B. D., Jones, J. T., & Christensen, A. (2002). Integrative behavioral couple therapy. In: F. W. Kaslow & J. Lebow (Eds.), *comprehensive handbook of Psychotherapy*, 7, 1-10.

Elzevier, H. W., Voorham-van der zalm, P. J., & Pelger, R. C. (2007). How reliable is a self-administered questionnaire in detecting sexual abuse: A retrospective study in patients with pelvic-floor complaints and a review of literature. *The Journal of Sexual Medicine*, 4, 956-963.

Garcia-Linares, M. L., Pico-Alfonso, M. A., Sanchez-Lorente, S., Savall-Rodrigues, F., Celda-Navarro, N., Blasco-Ros, C., & Martinerez, M. (2005). Assessing physical, sexual, and psychological violence perpetrated by intimate male partners toward women: A Spanish cross-sectional study. *Journal of Violence Victims*, 20, 99-123.

Hotaling, G. T., & Sugarman, D. B. (1986). An analysis of risk markers in husband to wife violence: The current state of knowledge. *Journal of Violence and Victims*, 1, 101-124.

Jun, H. J., Rich-Edward, J. W., Boynton-Jarrett, R., & Wright, R. J. (2008). Intimate partner violence and cigarette smoking: Association between smoking risk and psychological abuse with and without co-occurrence of physical and sexual abuse. *American Journal of public Health*, 98, 527-535.

Katz, J., Moore, J., & May, P. (2008). Physical and sexual co-victimization from dating partners: A distinct type of intimate abuse? *Journal of Violence against Women*, 14, 961-980

Krug, E. C., Dahlberg, L. L., Mercy, J. A., Zwi, A. B., & Lozano, R. (2002). *World report on violence and health*. Geneva: World Health Organization.

Leserman, J. (2005). Sexual abuse history: Prevalence, health effect, mediators, and psychological treatment. *Journal of Psychosomatic Medicine*, 6, 906-915.

Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Premarital predictors of marital quality and stability. *Journal of Family Relations*, 43, 228-237.

Margolin, G., & Burman, B. (1993). Wife abuse versus marital violence: Difference terminologies, explanation,

آینده‌نگر در طرح‌های طولی می‌تواند تعداد بیشتری از عوامل مرتبط با انواع خشونت زناشویی را روشن سازد تا با استفاده از مدل‌های آماری پیشرفته سهم هر یک از عوامل مشخص شود. افزون بر این، طراحی ایزاری که نشانگر تقویم زمانی خشونت در روابط زناشویی باشد، رهگشا خواهد بود.

سپاسگزاری

از مسئولان مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی و پژوهشکده خانواده دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی که در مرحله اول طرح حمایت مالی کردند، هم‌چنین همکاران پژوهش و خانواده‌هایی که با این پژوهش همکاری داشتند، صمیمانه قدردانی می‌شود.
[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، تعارض منافع وجود نداشته است.]

منابع

شیری، معصومه؛ محمدخانی، پروانه (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین مولفه‌های شناختی زوج‌ها و رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.

محمدخانی، پروانه؛ رضایی دوگانه، ابراهیم؛ محمدی، محمدرضا؛ آزادمهر، هدیه (۱۳۸۵). شیوع الگوی خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۲۱، ۲۲۵-۲۰۵.

محمدخانی، پروانه، محمدی، محمدرضا؛ رضایی دوگانه، ابراهیم؛ آزادمهر، هدیه (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی روانی، مشکلات شخصی و ارتباطی مردانی که مرتکب خشونت خانوادگی می‌شوند. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی توانبخشی*، شماره ۲۷، ۹۰-۹۷

Asia, S. G., Olson, D.H. & David, H. (2004). Five types of marriage; an empirical typology based on ENRIC. *The Family Journal*, 1, 196-207.

Baucom, D. H., & Epstein, N. (1990). *Cognitive-behavioral marital therapy*. New York: Brunner/ Maize Publishers

Campbell, J. C. (Ed.). (1995). *Assessing Dangerousness: Violence by sexual offenders, batterers, and child abusers*. Thousand Oaks, CA : Sage Publications.

Dekeseredy, W. S., & Kelly, K. D. (1993). The incidence and prevalence of woman abuse in Canadian university and college dating relationships. *Canadian Journal of Sociology*, 18, 137-159.

Doss, B. D., Thum, Y. M., Sevier, M., Atkins, D., & Christensen, A. (2005). Improving relationship; Mechanism of changes in couple therapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73, 624-633.

- and solutions. *Journal of Clinical Psychology Review*, 13, 59-73.
- Mohammadkhani, P., Forouzan, A. S., Khooshabi, K. S., Azadmehr, H., Assari, S., & Iankarani, M. M. (2009). Are the predictors of sexual violence the same as those of nonsexual violence? a gender analysis. *The Journal of Sexual Medicine*, 6, 2215-2223.
- Mohammadkhani, P., Rezaei Dogaheh, E., Forouzan, S. A., Azadmehr, H., & Jafari, H. (2007). Risk factors of enacting spouse abuse in a sample of Iranian men. *Medical Journal of the Islamic Republic of Iran*, 2, 79-86.
- National Research Council. (1996). *Understanding violence against women*. Washington, D.C: National Academy Press.
- Ramisetty-Mikler, S., Caetano, R., & McGrath, C. (2007). Sexual aggression among white, Black, and Hispanic couples in the U.S. Alcohol use, Physical assault and psychological aggression as its correlates. *American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, 33, 31-43.
- Rellini, A. (2007). Review of the empirical evidence for a theoretical model to understand the sexual problems of women with a history of CSA. *The Journal of Sexual Medicine*, 5, 31-46.
- Stets, J. E. (1991). Psychological aggression in dating relationships: The role of interpersonal control. *Journal of Family Violence*, 6, 97-114.
- Straus, M. A., & Ramirez, I. L. (2007). Gender symmetry in prevalence, severity, and chronicity of physical aggression against dating partners by university students in Mexico and USA. *Journal of Aggressive Behaviors*, 33, 281-290.
- Straus, M. A. (2004). Cross-cultural reliability and validity of the revised conflict tactics scales: A study of university student dating couples in 17 nations. *Journal of Cross-Cultural Research*, 38, 407-432.
- Straus, M. A., & Douglass, E.M. (2004). A short form of the revised conflict tactic scales and typologies for severity and mutuality. *Journal of Violence and Victims*, 19, 407-432.
- Straus, M. A., & Mouradian, V. E. (1999). Preliminary psychometric data for the personal and relationships profile (PRP): A multi-scale tool for clinical screening and research on partner violence. *Journal of Family Issues*, 17, 283-316.
- Straus, M. A., Hamby, S. L., Boney-McCoy, S., & Sugarman, D. B. (1996). The revised conflict tactics scales (CTS2): Development and preliminary psychometric data. *Journal of Family Issues*, 17, 283-316.
- Thompson, R. S., Bonomi, A. E., Anderson, M., Reid, R. J., Dimer, J. A., Carrell, D., & Rivara, F.P. (2006). Intimate partner violence: Prevalence, types, and chronicity in adult women. *American Journal of Prevention Medicine*, 30, 447-457.
- Wallach, H. S., & Sela, T. (2008). The importance of male batterers' attributions in understanding and preventing domestic violence. *Journal of Family Violence*, 23, 655-660.
- Zand, R. (2008). Frequency and correlates of spouse abuse by type: Physical, sexual and psychological battering among a sample of Iranian women. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 6, 432-441.